

فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال هفتم، شماره ۱۴، بهار ۱۳۹۴

خلاقیت زبان آموزان غیر فارسی زبان دانشگاه بین المللی امام خمینی و توانایی آنها در تشخیص استعارات زبان فارسی

رباب خسروی^۱

سمیه پیری^۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۱۱

تاریخ تصویب: ۹۱/۴/۱۹

چکیده

در مطالعه حاضر، تأثیر متغیر خلاقیت زبان آموزان غیر فارسی زبان بر توانایی آنها در تشخیص برخی از جملات استعاری (مرده و نو) و لفظی مورد بررسی قرار گرفته است. به این منظور، ۴۵ نفر از زبان آموزان سطح پیشرفته مرکز آموزش زبان دانشگاه بین المللی امام خمینی در آزمون خلاقیت و آزمون تشخیص جملات استعاری زبان فارسی شرکت کردند. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که متغیر خلاقیت رابطه معناداری با تشخیص جملات استعاری زبان فارسی دارد. هر چند خلاقیت زبان آموزان با توانایی آنها در تشخیص استعارات مرده و جملات لفظی نیز دارای رابطه معناداری بود، اما

^۱ استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه زنجان؛ rkhosravi@znu.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد؛ piri.somaye@yahoo.com

این متغیر با تشخیص استعارات نو زبان فارسی رابطه قوی تری
داشت.

واژه‌های کلیدی: استعاره، خلاقیت، تشخیص استعاره، استعاره
مرده، استعاره نو، جمله لفظی

۱. مقدمه

لیکاف و جانسون^۱ (۱۹۸۰) بر این باورند که استعاره یکی از اجزای تفکیک‌ناپذیر هر زبانی است، به گونه‌ای که بیان مفاهیم انتزاعی بدون استفاده از مفاهیم استعاری غیرممکن می‌باشد. به این لحاظ، آنها سیستم ادراکی^۲ انسان را عمدتاً یک سیستم استعاری می‌دانند. در دیدگاه رمانتیک، استعاره از زبان جدایی‌ناپذیر است و زبان «بالضروره استعاری» است (هاوکس^۳، ۱۹۷۲: ۱۳۵).

استعارات در زبان‌های مختلف به‌طور متفاوتی تشکیل می‌شوند (لیتل مور و لو^۴، ۲۰۰۶)، لذا استفاده صحیح و مناسب از آنها برای زبان آموزان هر زبانی امری پیچیده می‌نماید. این امر بدان دلیل است که زبان آموزان حتی در سطح پیشرفته یادگیری زبان هنوز لغات و اصطلاحات مجازی و استعاری کمتری نسبت به یک فارسی‌زبان می‌دانند و شبکه معنایی و پراگماتیک محدودتری دارند. به گفته دنسی^۵ (۱۹۸۶)، نشانه واقعی یادگیری یک زبان، توانایی زبان آموز در کاربرد استعارات آن زبان است.

گرچه در طی دهه‌های گذشته، مجاز و به‌ویژه استعاره در تحقیقات مربوط به آموزش زبان دوم/خارجی جایگاه ویژه‌ای یافته است (لیتل مور^۶، ۲۰۰۱)، اما طبق گفته جنتنر، بودل، ولف و بورونت^۷ (۲۰۰۱: ۱۹۹) هنوز فرایند پردازش روان‌شناختی درک استعاره و

¹ Lakoff & Johnson

² conceptual system

³ Hawkes

⁴ Littlemore & Low

⁵ Danesi

⁶ Littlemore

⁷ Gentner, Bowdle, Wolff & Boronat

عوامل بهبوددهنده و بازدارنده آن به اندازه کافی آشکار نیستند. آنها (همان) تأکید می‌کنند که اولین مرحله در روند درک استعاره، تشخیص^۱ آن است. به گفته آنان، مشکل اصلی در روند پردازش استعاره هنگامی است که زبان‌آموز جملات استعاری را از جملات لفظی^۲ تشخیص می‌دهد و در این هنگام است که پردازش استعاره آغاز می‌شود.

عوامل متعددی مانند بافت اصطلاحات استعاری، ویژگی‌های زبان‌آموز، مهارت‌های زبانی مربوط به زبان اول، فرهنگ و غیره در تشخیص و درک استعاره نقش دارند. از این میان، ویژگی‌های زبان‌آموز را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: یک دسته عواملی که خارج از کنترل هستند، مانند سن و جنس و غیره و دسته دوم عواملی که می‌توان روی آنها کنترل داشت. از جمله این عوامل می‌توان به انگیزه، سبک یادگیری، تفکر خلاق و غیره اشاره کرد. از میان این عوامل، بررسی آن دسته از عواملی ضروری به نظر می‌رسد که بیشتر تحت کنترل بوده و می‌توان آنها را بهبود بخشید. عامل خلاقیت به‌عنوان ویژگی روان‌شناختی موجود در همه زبان‌آموزان و عامل مؤثر بر یادگیری زبان و روند پردازش استعاره (آلبرت^۳، ۲۰۱۰)، از اهمیت خاصی برخوردار است.

خلاقیت هنگامی صورت می‌گیرد که واژه‌ای جدید برای بیان یک مفهوم ساخته شود. در درک برخی از تجارب پیچیده نیز، به کمک خلاقیت، استعاراتی به کار می‌بریم که ساختار آنها مطابق با دستور زبان استاندارد نمی‌باشد. هم‌چنین در درک این استعارات از ارتباطات خلاقانه‌ای که بین مفاهیم وجود دارند و عمدتاً بر پایه تشابه، قیاس و یا وابستگی می‌باشند، کمک می‌گیریم. بسیاری از ترکیبات استعاری را از طریق فرایندهای تفکر خلاق درک و یا ایجاد می‌کنیم. وگامورنو^۴ (۲۰۰۷: ۸۲) درک استعاره را اساساً فرایندی خلاق می‌داند که نه تنها بستگی به شباهت‌های موجود دارد بلکه منجر به ایجاد شباهت‌ها نیز می‌شود. خلاقیت زبانی یکی از نمودهای استفاده موفق از زبان است. ساخت و استفاده

¹ metaphor recognition

² literal statement

³ Albert

⁴ Vega Moreno

از استعاره، چه به صورت تخیلی و چه به صورت غیر تخیلی و واقعی، پایه و اساس چنین خلاقیتی است (هولم^۱، ۲۰۰۴: ۲۸).

در پژوهش حاضر نیز چگونگی ارتباط خلاقیت زبان آموزان فارسی به عنوان زبان دوم با قدرت آنها در تشخیص استعاره مورد بررسی قرار می‌گیرد. در صورتی که وجود ارتباطی معنی‌دار تأیید شود، می‌توان به برنامه‌ریزان آموزشی و مربیان توصیه نمود که نقش این عامل را در بهبود تشخیص و درک استعاره و نهایتاً برقراری ارتباط به زبان فارسی مد نظر قرار دهند. بعد از مشخص نمودن همبستگی یا عدم همبستگی این دو متغیر، به هدف فرعی این پژوهش نیز پرداخته می‌شود که آیا نوع استعاره در میزان همبستگی خلاقیت زبان آموزان و تشخیص استعاره توسط آنان تأثیر دارد یا خیر.

برای پاسخ به پرسش‌های این پژوهش، می‌توان فرضیه‌های زیر را مطرح نمود:

۱. بین قدرت تشخیص استعارات زبان فارسی و میزان خلاقیت زبان آموزان غیرفارسی زبان رابطه‌ی پیش‌بین وجود دارد و می‌توان از روی میزان خلاقیت، میزان قدرت تشخیص استعاره در آنها را پیش‌بینی نمود.
۲. اگر فرضیه اول تأیید شود، تأثیر خلاقیت زبان آموزان غیرفارسی زبان در تشخیص نوع خاصی از استعارات زبان فارسی بیشتر است.

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون در هیچ یک از پژوهش‌های انجام گرفته، همبستگی میزان خلاقیت زبان آموزان با توانایی آنها در تشخیص استعاره مورد بررسی قرار نگرفته است. البته ریکور^۲ در سال ۱۹۸۱ بیان می‌کند که استعاره هسته اصلی خلاقیت و در بطن هر عمل خلاقانه‌ای است. گیلفورد^۳ (۱۹۶۷) با معرفی و تعریف تفکر واگرا^۴ اظهار می‌دارد که این ساختار با ساختار خلاقیت ارتباط بسیار نزدیکی دارد و خلاقیت شامل بسیاری از فرایندهای شناختی و از جمله تفکر واگراست. از نظر گیلفورد، تفکر واگرا که مترادف با تفکر خلاق می‌باشد، تفکری است

¹ Holme

² Ricoeur

³ Guilford

⁴ divergent thinking

که کمتر به حقایق محدود می‌شود و در جستجوی راه‌حل‌های متفاوت با ابتکار و توضیح بیشتر و مطلوب‌تر است. از نظر کارول^۱ (۱۹۹۳) نیز خلاقیت همان توانایی خلق ایده‌های جدید با استفاده از تفکر واگراست. میلر^۲ در سال ۱۹۸۷ ارتباط تفکر واگرا با درک استعاره را نشان داد. او در پژوهش خود دریافت که افراد با تفکر واگرا تفسیرهای متعدد و گوناگونی را از استعاره‌های داده‌شده ارائه دادند و در تست درک استعاره بهتر از بقیه عمل کردند.

در سال ۱۹۶۱، گوردون^۳ تفکر استعاری را بر پایه چهار اندیشه خلاقانه دانست. نخست این که خلاقیت مخصوص هنر نیست و بخشی از زندگی ما است. دوم این که خلاقیت منحصر به افراد خاصی نیست. سوم این که ابداع خلاقانه در تمامی رشته‌ها و زمینه‌ها مشابه است و چهارم این که خلاقیت فردی و گروهی بسیار شبیه یکدیگر هستند. به این طریق خلاقیت به فرایندی آگاهانه‌تر تبدیل می‌شود و استعاره مقایسه بین دو مفهوم دو شیء را با به کارگیری خلاقیت ممکن می‌سازد.

کلر^۴ (۲۰۰۲) نیز با تأکید بر نقش استعاره به عنوان ابزار خلاقیت زبانی، ماهیت بیشتر تغییرات زبانی را استعاری می‌داند که نه تنها تغییر واژگان بلکه تغییر در مسائل دستوری زبان را نیز شامل می‌شود و در آن ساختارهای دستوری جدید به کمک خلاقیت زبانی و با گسترش ساختارهای موجود شکل می‌گیرد.

بنشنز^۵ (۲۰۰۶) بیان می‌کند که استعارات با استفاده از شکل‌گیری خلاقانه کلمات در کنار هم و در برخی موارد نیز با استفاده خلاقانه از استعارات مفهومی^۶ ساخته می‌شوند. او از عبارت ترکیب خلاقانه^۷ برای ترکیبات اسمی استعاری استفاده نمود که تنها تفاوت موجود در درک آنها نسبت به سایر ترکیبات اسمی نه در عدم وضوح آنها بلکه در به کارگیری خلاقیت در پردازش آنهاست.

^۱ Carroll

^۲ Miller

^۳ Gordon

^۴ Clair

^۵ Benczes

^۶ conceptual metaphor

^۷ creative compound

استعارات جزء جدایی‌ناپذیر هر زبان، از جمله زبان فارسی می‌باشند که به‌طور گسترده‌ای در ارتباطات کلامی و نوشتاری از آنها استفاده می‌شود. لذا بررسی عوامل مؤثر در پردازش، درک و تولید استعارات زبان فارسی و نیز ایجاد و تقویت این عوامل می‌تواند به بهبود ارتباطات یادگیرندگان این زبان به‌ویژه در زمینه درک استعارات کاربردی در مکالمات و متون و در نهایت یادگیری بهتر این زبان بیانجامد. اگرچه تحقیقات زیادی پیرامون هر یک از این عوامل به‌طور جداگانه صورت پذیرفته و در تعداد اندکی از آنها به نقش تفکر خلاق در درک استعاره اشاره‌ی ضمنی شده است، بررسی این دو عامل به‌طور هم‌زمان در بافت «یادگیری زبان فارسی به‌عنوان زبان خارجی» و بررسی وجود ارتباطات احتمالی بین این دو عامل، هدف اصلی این پژوهش می‌باشد. در صورتی که وجود ارتباطی بین این دو عامل تأیید شود، تقویت یک عامل در بهبود عامل دیگر نقش بسزایی خواهد داشت. لذا دست‌اندرکاران امر آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان می‌توانند با بهره‌گیری از نتایج این تحقیق و با تقویت و ارتقای فرایندهای شناختی مؤثر در درک استعارات زبان فارسی به‌ویژه خلاقیت زبان‌آموزان، کمک شایانی به تسریع و نیز بهبود فرایند یادگیری زبان فارسی به‌عنوان زبان خارجی به زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان نمایند.

۳. روش پژوهش

۳.۱. نوع مطالعه، جامعه آماری و آزمودنی‌های پژوهش

این پژوهش از نوع تجربی و همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل ۴۵ نفر زبان‌آموز غیرفارسی‌زبان (۱۶ نفر زن و ۲۹ نفر مرد) با دامنه سنی ۱۹ تا ۲۶ سال و مشغول به تحصیل در ۲ کلاس دوره پیشرفته مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه امام خمینی (ره) قزوین بودند. به علت کوچک بودن جامعه آماری، همه زبان‌آموزان این ۲ کلاس که ۳۹ نفر از آنان از کشور سوریه، ۲ نفر از ترکیه و ۴ نفر از عراق بودند، به‌عنوان نمونه پژوهشی این مطالعه انتخاب گردیدند.

۲.۳. ابزارهای پژوهش

ابزارهای پژوهش عبارت بودند از تست خلاقیت ترانس^۱ و آزمون تشخیص استعاره.

۳.۲.۱. تست خلاقیت ترانس

این پرسش‌نامه^۲ ۶۰ ماده‌ای، یک آزمون استاندارد (تری فینگر^۳، ۱۹۸۵) جهت تعیین میزان خلاقیت آزمودنی‌ها است. پایایی^۴ و روایی^۵ تست خلاقیت ترانس توسط چیس^۶ (۱۹۸۵) و کوپر^۷ (۱۹۹۱) تأیید شده است. در نمره‌دهی آزمون، گزینه^۸ ۱ بدون امتیاز، گزینه^۲ ۲ یک امتیاز و گزینه^۳ ۳ دارای دو امتیاز و نمره^۴ کل، حاصل جمع امتیازات مربوط به هر ماده می‌باشد.

۳.۲.۲. آزمون تشخیص استعاره

این آزمون پژوهشگر ساخته^۷ جهت ارزیابی توانایی آزمودنی‌ها در تشخیص جملات استعاری از جملات غیراستعاری طراحی شده بود. ایده^۸ طراحی چنین آزمونی از پژوهش محققانی نظیر جونز و استز^۹ (۲۰۰۵) گرفته شده بود. جملات این آزمون ۶۰ ماده‌ای از کتاب اصطلاحات و تعییرات در ترجمه (تجلی، ۱۳۷۷) انتخاب و آزمون نهایی از سه نوع جمله تشکیل شده بود: استعاره‌های مرده، مبتدل یا قدیمی، استعاره‌های نو یا ابتکاری و جملات لفظی. آزمودنی‌ها در طول این آزمون ۶۰ دقیقه‌ای، پس از مطالعه هر جمله، نظر خود را در مورد میزان استعاری بودن جملات با توجه به سه گزینه^{۱۰} داده شده انتخاب می‌کردند. گزینه^۱: عدم استعاری بودن جمله، گزینه^۲: تا حدی استعاری و گزینه^۳: کاملاً استعاری. در مورد جملات استعاری، در صورت انتخاب گزینه^۱ هیچ امتیاز، گزینه^۲ یک

^۱ Torrance Test of Creative Thinking

^۲ Treffinger

^۳ reliability

^۴ validity

^۵ Chase

^۶ Cooper

^۷ investigator-developed

^۸ Jones & Estes

امتیاز و گزینۀ ۳ دو امتیاز، و در مورد جملات لفظی برای گزینۀ ۳ هیچ امتیاز، گزینۀ ۲ یک امتیاز و گزینۀ ۱ دو امتیاز در نظر گرفته شد.

استعارات مرده به استعاراتی اطلاق می‌شود که فارسی‌زبانان آنها را به‌طور وسیع در ارتباطات روزانه به کار می‌برند، بدون آن که از ماهیت استعاری بودنشان آگاهانه مطلع باشند. این استعارات که به دلیل استعمال زیاد، مرده نام دارند، به مفاهیم کلی مانند زمان، مکان، اجزای بدن، فعالیت‌های مهم بشر و غیره اشاره دارند. برای مثال، عبارات زیر استعارات مرده‌ای هستند که آنها را در گفتگوهای روزمره به کار می‌بریم: «سر بچه‌ها را گرم کرد»، «اراده آهنین او قابل تمجید است»، و یا اصطلاحاتی از قبیل «وقت کشتن»، «از ته دل»، «جان کلام»، «رشته کوه»، «دستش را خواندم» و غیره.

برخلاف استعارات مرده، استعارات نو مفاهیمی تصویری، خیالی و نو هستند که اکنون قلمرو آنها فراتر از سیستم ادراکی معمول کاربران یک زبان است. نویسندگان، شاعران و روزنامه‌نگاران همواره سعی دارند این نوع استعارات که جدید، مؤثر، خلاقانه و تخیلی هستند را در آثارشان خلق نمایند. مثل «من صدای نفس باغچه را می‌شنوم» یا «گاه تنهایی صورتش را به پس پنجره می‌چسباند» (سهراب سپهری). اگرچه بیشترین کاربرد استعارات نو در شعر و متون ادبی است، در این تحقیق از استعارات نوی مورد استفاده در ارتباطات روزانه بهره گرفته شده است. جملات لفظی مورد استفاده در این تحقیق نیز جملاتی بودند که به هیچ وجه دارای مفهوم استعاری نبودند، مثل «او کتاب‌های علمی بسیار زیادی را مطالعه کرده است».

جهت بررسی پایایی و روایی صوری و محتوایی^۱، این آزمون در اختیار چهار نفر از استادان آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ره) قرار داده شد و سپس به صورت آزمایشی^۲ در یکی از کلاس‌های مشابه با گروه زبان‌آموزان اصلی از لحاظ سطح زبانی و سن برگزار گردید. با تعداد ۶۰ جمله (۱۲ استعاره مرده، ۱۵ استعاره نو

^۱ Face & content validity

^۲ Pilot

و ۳۰ جمله لفظی بدون هیچ ترتیب خاص بین جملات) درصد قابل قبولی از پایایی یعنی ۰/۸۰ (با استفاده از فرمول ضریب آلفای کرونباخ^۱) برای این آزمون حاصل شد. این تست برای استفاده‌های بعدی در قسمت تجزیه و تحلیل آماری، به سه زیرمجموعه با عناوین «آزمون تشخیص استعارات مرده»، «آزمون تشخیص استعارات نو» و «آزمون تشخیص جملات لفظی» تقسیم‌بندی شد و برای هر یک از این سه بخش، آزمون پایایی مجدداً به صورت مستقل انجام گردید. ضریب آلفای کرونباخ آنها به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۸ و ۰/۷۹ به دست آمد که قابل قبول بودند.

۳.۳. چگونگی گردآوری داده‌های پژوهش

پس از انجام آزمون‌های آزمایشی در بهمن سال ۱۳۸۹ در یک کلاس ۲۵ نفره مشابه آزمودنی‌های اصلی، در اسفند سال ۱۳۸۹، آزمون تشخیص استعاره و تست خلاقیت ترانس در دو کلاس سطح پیشرفته مرکز آموزش زبان فارسی دانشگاه امام خمینی^(ره) برگزار گردید. جهت ایجاد انگیزه در انجام آزمون‌ها، به صورت خلاصه ماهیت، هدف و چگونگی انجام پژوهش و نیز نقش و وظیفه آزمودنی‌ها توضیح داده شد. به شرکت‌کنندگان گفته شد که نمرات مطلوب آزمون استعاره برای آنها امتیاز مثبت خواهد داشت و اگر نمرات آنها مطلوب نباشد، نادیده گرفته می‌شود. پس از این توضیح کوتاه، آزمون‌ها در اختیار آنها قرار گرفت و از آنها خواسته شد که ابتدا در مدت ۳۰ دقیقه به تست خلاقیت و بعد در مدت ۴۵ دقیقه به آزمون تشخیص استعاره پاسخ دهند. سپس برگه‌ها جمع‌آوری و آماده نمره‌دهی گردید.

۴. توصیف و تحلیل داده‌ها

۴.۱. توصیف داده‌ها

پس از نمره‌دهی به آزمون‌ها، در تست خلاقیت، پایین‌ترین نمره ۵۶ و بالاترین نمره ۱۰۷ و در آزمون تشخیص استعاره، پایین‌ترین نمره ۸۰ و بالاترین نمره ۱۲۰ بود. داده‌های توصیفی این آزمون در جدول (۱) ارائه گردیده است.

^۱ Cronbach' alpha coefficient

جدول ۱. داده‌های توصیفی مربوط به تست خلاقیت و آزمون تشخیص استعاره

نام متغیر	تعداد	جمع	میانگین نمره‌ها	انحراف استاندارد	واریانس
خلاقیت	۴۵	۳۵۶۶	۷۹/۲۴	۱۱/۶۹	۱۳۶/۷۸
تشخیص استعاره	۴۵	۴۶۰۴	۱۰۲/۳۱	۱۰/۳۷	۱۰۷/۷۱
تشخیص استعارات مرده	۴۵	۱۱۳۸	۲۵/۲۸	۲/۴۸	۵/۱۶
تشخیص استعارات نو	۴۵	۱۵۱۳	۲۲/۵۱	۴/۴۹	۲۰/۱۶
تشخیص جملات لفظی	۴۵	۲۴۵۲	۵۴/۴۸	۴/۸۱	۲۳/۲۱

۴.۲. رابطه همبستگی میان متغیرهای پژوهش

برای محاسبه همبستگی بین متغیرهای خلاقیت و تشخیص استعاره، از متداول‌ترین روش محاسبه همبستگی یعنی فرمول ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون^۱ استفاده گردید که نتیجه آن در جدول (۲) ارائه گردیده است. هم‌چنان که در این جدول مشاهده می‌شود، همبستگی بین خلاقیت و تشخیص استعاره ۰/۸۰ به دست آمده است که نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار در سطح ۰/۰۱ بین این دو متغیر است. علاوه بر این، همبستگی بین دو متغیر خلاقیت و تشخیص استعارات نو ۰/۸۳ و بین دو متغیر خلاقیت و تشخیص استعارات مرده ۰/۷۲ به دست آمده است که در سطح ۰/۰۱ نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار بین متغیرهای مفروض است. همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، همبستگی بین خلاقیت و تشخیص جملات لفظی ۰/۵۸ به دست آمده است که نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار در سطح ۰/۰۱ بین این متغیر است. این یافته به این معناست که بین خلاقیت و تشخیص درک جملات لفظی نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، هرچند که قوت این رابطه به استحکام رابطه همبستگی بین خلاقیت و متغیرهای مستقل تشخیص استعارات نیست.

^۱ Pearson product moment correlation

جدول ۲. همبستگی بین متغیر خلاقیت و متغیرهای مستقل تشخیص استعاره

تشخیص	تشخیص	تشخیص استعارات نو	تشخیص استعاره	خلاقیت	
جملات لفظی	استعارات مرده				
۰/۵۸	۰/۷۲	۰/۸۳	۰/۸۰	۱	خلاقیت

** $p < 0.01$

برای آزمودن این که آیا با استفاده از نمره‌های آزمودنی‌ها در متغیر خلاقیت می‌توان نمره‌های آنها را در متغیر تشخیص استعاره پیش‌بینی کرد، از روش آماری رگرسیون استفاده شد که نتایج آن در ادامه بحث ارائه می‌گردد.

۴. ۲. ۱. تحلیل رگرسیون با توجه به رویکرد تحلیل واریانس

شرط اولیه انجام محاسبات رگرسیون خطی، خطی بودن مدل مفروض است. برای این کار باید نسبت F را محاسبه کنیم. لازم به ذکر است که F نسبت بین میانگین مجذورات رگرسیون به میانگین مجذورات باقی مانده یا خطا است. جدول (۳) نتایج این محاسبات را نشان می‌دهد.

جدول ۳. رویکرد تحلیل واریانس برای رگرسیون

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع پراکندگی
۰/۰۰۰۱	۷۷/۷۴۳	۳۰۵۱/۷۱۶	۱	۳۰۵۱/۷۱۶	رگرسیون
		۳۹/۲۵۴	۴۳	۱۶۸۷/۹۲۸	باقی مانده
			۴۴	۴۷۳۹/۶۴۴	کل

در این جدول، F در سطح ۰/۰۰۰۱ معنادار به دست آمده است یعنی رابطه بین خلاقیت و متغیرهای مستقل تشخیص استعارات نمی‌تواند به صورت اتفاقی رخ داده باشد و به این ترتیب فرض خطی بودن مدل تأیید می‌شود.

برای محاسبه رگرسیون از روش گام به گام^۱ استفاده شد. همان گونه که در جدول (۴) مشاهده می شود، بزرگی ضریب همبستگی بین خلاقیت و تشخیص استعاره (R)، ۱۸۴۱۴ و (R^2) ، ۰/۶۴۴ است که نشان می دهد، (R) ۶۴/۴ درصد تغییرات تشخیص استعاره را می توان با خلاقیت پیش بینی نمود. چنان که داده های جدول (۴) نشان می دهد، در ستون (b) به ترتیب ضریب رگرسیون و مقدار ثابت ارائه شده است و بنابراین معادله رگرسیون به صورت $y = ۰/۷۱۲ X + ۴۵/۸۸۲$ خواهد بود.

جدول ۴. رگرسیون گام به گام متغیر خلاقیت بر تشخیص استعاره

سطح معناداری	t	ضرایب تراز شده	ضرایب تراز نشده		R ²	R	
		بتا	خطای معیار	b			
۰/۰۰۰۱	۷/۰۹۴		۶/۴۶۸	۴۵/۸۸۲			مقدار ثابت
۰/۰۰۰۱	۸/۸۱۷	۰/۸۰۲	۰/۰۸۱	۰/۷۱۲	۰/۶۴۴	۰/۸۰۲	خلاقیت

۵. بحث و نتیجه گیری

با بررسی نمره های زبان آموزان در آزمون تشخیص استعاره و پرسش نامه خلاقیت مشخص گردید که متغیر خلاقیت از قدرت پیش بینی مناسبی در میزان قدرت تشخیص استعاره برخوردار است. هم چنین بین متغیر خلاقیت و تشخیص استعارات نو، استعارات مرده و نیز جملات لفظی همبستگی وجود دارد؛ هر چند قدرت همبستگی و تعامل بین خلاقیت و تشخیص استعارات نو بیشتر از همبستگی بین خلاقیت و تشخیص استعارات مرده و جملات لفظی است.

بنابراین، هر دو فرضیه پژوهش (۱). بین خلاقیت و تشخیص استعاره در زبان آموزان غیرفارسی زبان در مورد زبان فارسی رابطه پیش بین وجود دارد و می توان از روی قدرت

¹ stepwise

خلاقیت، میزان تشخیص استعاره را پیش‌بینی نمود و ۲. نوع استعاره (مرده یا نو) در میزان رابطه و همبستگی خلاقیت زبان‌آموزان و تشخیص استعاره توسط آنها تأثیر دارد) تأیید می‌شوند.

در مورد تطبیق یافته‌های این پژوهش با یافته‌های مطالعات پیشین باید گفت که در هیچ‌یک از پژوهش‌های آموزش زبان فارسی (تا آنجایی که پژوهشگران تحقیق کرده‌اند) به رابطه متغیر خلاقیت و تشخیص استعاره به‌طور هم‌زمان پرداخته نشده است. البته یافته‌های این پژوهش در مورد وجود همبستگی بین خلاقیت و تشخیص استعاره با یافته‌های پژوهشگران خارجی مانند وگامورنو (۲۰۰۷)، گوردون (۱۹۶۱) و کلر (۲۰۰۲) مطابقت دارد. برای مثال در الگوی خلاقیت گوردون (۱۹۶۱)، یادگیرندگان در گروه‌های ایجاد خلاقیت، از طریق به‌کارگیری یک جریان تمثیلی و استعاری به گردش تخیلی ترغیب می‌شدند. ذهن افراد در این گردش تخیلی به نکاتی جدید و روابط تازه بین پدیده‌ها می‌رسید. پدیده‌هایی که با هم تجانسی نداشتند، ترکیب شده و ایده جدیدی حاصل می‌شد یعنی از طریق فعالیت استعاری، خلاقیت به فرایندی آگاهانه‌تر تبدیل می‌شد. روبرت کلر (۲۰۰۲) در یافته‌های پژوهش خود بر این موضوع تأکید کرد که استعاره نه تنها بخش جدایی‌ناپذیر خلاقیت بشر، بلکه جزء اصلی خلاقیت زبانی و تغییرات زبانی است.

با توجه به ارتباط معنا دار خلاقیت و تشخیص استعاره در زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان، می‌توان توجه دست‌اندرکاران امر آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، تهیه‌کنندگان مطالب درسی و مدرسان را به موارد زیر جلب نمود: معرفی و ارائه عبارات با مفاهیم استعاری و غیراستعاری به‌طور مقابله‌ای جهت افزایش قدرت تشخیص استعاره در زبان‌آموزان؛ تشویق زبان‌آموزان به استفاده از قدرت خلاقیت خود در تشخیص مفاهیم استعاری؛ بهره‌گیری از وسایل کمک آموزشی مانند تصویر، اسلاید، فیلم و بازی‌های آموزشی، تا به این وسیله قدرت تخیل و تجسم فکری و نهایتاً خلاقیت آنها را تقویت نمود؛ استفاده از تمثیل و نیز انواع قیاس‌ها و به‌خصوص قیاس مفاهیم انتزاعی با مفاهیم ملموس جهت تقویت خلاقیت در تدریس مفاهیم استعاری و استفاده از موقعیت‌های گروهی برای افزایش تولید ایده‌های خلاق.

در پایان ضمن تأکید بر یافته‌های این پژوهش مبنی بر وجود همبستگی معنادار میان خلاقیت و تشخیص استعاره، ذکر این نکته را ضروری می‌دانیم که هر دو متغیر خلاقیت و تشخیص استعاره از سازه‌های متعددی تشکیل شده‌اند. امید است در پژوهش‌های آتی، این سازه‌ها و نیز عوامل متعدد دیگری مثل انگیزه، جنس، هوش، استعداد، زبان اول، دانش پیشین، علاقه به یادگیری زبان و غیره مورد بررسی، شناسایی و تحلیل بیشتر قرار گیرند.

منابع

- تجلی، غفار (۱۳۷۷). *اصطلاحات و تعبيرات در ترجمه*. تهران: انتشارات سمت.
- هاوکس، ترنس (۱۹۷۲). *استعاره*. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نشر مرکز.
- Albert, A. (2010). Learner Creativity as a Potentially Important Individual Variable: Examining the Relationships between Learner Creativity, Language Aptitude and Level of Proficiency. Unpublished MA thesis. Eötvös Loránd University. Hungary.
- Benczes, R. (2006). *Creative Compounding in English: The Semantics of Metaphorical and Metonymical Noun-Noun Combinations*. Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins.
- Carroll, J. B. (1993). *Human Cognitive Abilities. A Survey of Factor-analytic Studies*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Chase, C. I. (1985). "Review of the Torrance Tests of Creative Thinking". *The Ninth Mental Measurements Yearbook*. J.V. Mitchell Jr. (ed.). Lincoln: University of Nebraska Press. pp.1631-1632.
- Clair, R. N. St. (2002). *Metaphor and Linguistic Creativity*, (Online), (<http://epistemic-forms.com/R-creativity.html>). diakses 1 September 2006).
- Cooper, E. (1991). "A critique of Six Measures for Assessing Creativity". *Journal of Creative Behavior*. 25. pp.194-204.
- Danesi, M. (1986). "The Role of Metaphor in Second Language Pedagogy". *Rassegna Italiana di Linguistica Applicata*. 18 (3). pp.1-10.
- Gentner, D., B. Bowdle, P. Wolff & C. Boronat (2001). "Metaphor is Like Analogy". *The Analogical Mind: Perspectives from Cognitive*

- Science*. D. Gentner, K. J. Holyoak & B. N. Kokinov (eds.). Cambridge, MA: MIT Press. pp.199-253.
- Gordon, W. J. (1961). *Synecitics: the Development of Creative Capacity*. New York: Harper and Brothers.
- Guilford, J. P. (1967). *The Nature of Human Intelligence*. New York: McGraw-Hill.
- Holme, R. (2004). *Mind, Metaphor and Language Teaching*. Basingstoke: Palgrave.
- Jones, L. L., & Z. Estes (2005). "Metaphor Comprehension as Attributive Categorization". *Journal of Memory and Language*. 53. pp.110-124.
- Lakoff, G., & M. Johnson (1980). *Metaphors We Live by*. Chicago: University of Chicago Press.
- Littlemore, J. (2001). "Metaphoric Competence: A Language Learning Strength of Students with a Holistic Cognitive Style?". *TESOL Quarterly*. 35(3). pp.459-491.
- Littlemore, J. & G. Low (2006). *Figurative Thinking and Foreign Language Learning*. New York: Palgrave MacMillan.
- Miller, A. (1987). "Cognitive Styles: An Integrated Model". *Educational Psychology*. 7(4). pp. 251-268.
- Ricoeur, P. (1981). "Metaphor and the Central Problem of Hermeneutics". *Hermeneutics and Human Sciences*. Cambridge, England: Cambridge University Press. pp.165-181.
- Treffinger, D. J. (1985). "Review of the Torrance Tests of Creative Thinking". *The Ninth Mental Measurements Yearbook*. J. V. Mitchell Jr. (ed.). Lincoln: University of Nebraska Press. pp.1632-1634.
- Vega Moreno, R. (2007). *Creativity and Convention: The Pragmatics of Everyday Figurative Speech*. Amsterdam: Benjamins.